

ارزیابی ما از حزب "اتحاد کمونیسم کارگری"

توضیح: دفتر سیاسی حزب حکمتیست در جلسه ۲۰ مه ۲۰۰۷ خود، فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری را به عنوان یک جریان سیاسی موجود مورد بحث و ارزیابی قرار داد. دفتر سیاسی به کمیته رهبری ماموریت داد که نتیجه این ارزیابی را مدون و منتشر نماید. کمیته رهبری حزب در جلسه ۶ ژوئن سند زیر را به عنوان مبنای برخورد به "حزب اتحاد کمونیسم کارگری" تصویب نمود.

گرچه تاکنون این جریان مواضع متحولی داشته است اما در مجموع حرکتی کمابیش پیوسته و قابل ارزیابی است. در این سند فراکسیون و حزب اتحاد کمونیسم کارگری به عنوان یک جریان سیاسی موجود مورد ارزیابی است. ص ۴

برنامه های هر روزه "پرتو" از کانال ۶

برنامه هر روزه تلویزیون پرتو هر شب از ساعت ۸:۳۰ تا ۹:۳۰ به وقت تهران از کانال ۶ روی ماهواره "هات برد" پخش می شود. این برنامه روز بعد ساعت ۲ تا ۳ بعد از ظهر به وقت تهران تکرار می شود.

مشخصات پخش به شرح زیر است:

Satellite: Hotbird 8 Channel 6

Orbital Position: 13 degrees East

Transponder: 14

Downlink Frequency: 11 470

Downlink Polarity: Vertical

FEC: 5/6 Symbol Rate: 27,500

از همه دوستان دعوت می کنیم که با تلویزیون پرتو همکاری کنند و مشخصات پخش برنامه های این تلویزیون را به اطلاع عموم برسانند.

رضا پهلوی، با اصول مذهب شیعه، بر علیه مارکسیستها



محمود قزوینی

ghazvini.m@gmail.com

به زیر کشیده اند، در تبلیغات سیاسی هم زیاد وارد نیست و هنر هم طبقه ایهایش را در تبلیغات ضد کمونیستی خوب فرا نگرفته است. این بیچاره در فضای سازمان تبلیغات پدرش مانده است.

مارکسیستها در دنیا، همه جا به ضدیت افراطی با مذهب شهرت دارند. در تبلیغات بورژوازی بر علیه مارکسیستها، یکجانبه اش انگشت گذاردن بر این ضدیت مارکسیسم با مذهب است و این را به عنوان یک نقطه ضعف مارکسیستها مرتب در بوق و کرنا میکنند. میگویند و درست هم میگویند که مارکسیستها مذهب ندارند و میخواهند مذهب را نابود کنند. مارکسیستها هم به این گناه همیشه اعتراف میکنند و میگویند بله درست است، ما میخواهیم مذهب را نابود کنیم، این یکی از اهداف ماست. اما نابودی آن را با خصوصی کردن کامل مذهب و

رضا پهلوی در مقاله ای در روزنامه فیگارو در تاریخ 30 مه با عنوان "برای خروج از بحران رژیم اسلامی ایران، راه عقلانی را برگزینیم!" ادعا کرده است رژیم جمهوری اسلامی محصول اتحاد "روحانیون حاکم" و مارکسیستها و محصول جنبش "اسلامگرایی مارکسیستی" است.

حمله به مارکسیستها و سوسیالیستها تا سر حد جنون، ساختن دروغ و وعدههایی کردن، کار و هنر همه شخصیتها و احزاب و دولتهای سرمایه داری است و این دیگر با خونشان عجب شده است. اما مثل اینکه این آقای رضا پهلوی، همانطور که در سیاست بدنبال عقب مانده ترین و پوسیده ترین شکل حکومتی در ایران است که مردم آن را یکبار

درس های بیاد ماندنی خرداد قومی

دشمن دشمن، دوست مردم نیست!

ثریا شهابی

Soraya.shahabi@gmail.com

و سنی و کرد و عرب دسته بندی کردند و به جنگ هم فرستاده اند. همانطور که حکومت صدام را هم "حکومت سنی ها" نام گذاشتند تا این باتلاق جنگ و خونریزی قومی را مشروع و هدفمند جلوه دهند. سال گذشته در چنین روزهایی دستجات قوم پرست ترک در ایران خود را سازمان دادند و در صف میلیونی مردمی که آزادی، برابری، رفاه، شادی، حق بیان و تشکل و زندگی مدرن میخواستند، شکافی عمیق ایجاد کردند. مردم، کارگر، دانشجو، معلم، روشنفکر، روزنامه نگار، شاعر، و زن و مرد و کودک و سالمند را به کرد و ترک و شیعه و سنی تقسیم کردند و برایشان تاریخ و مطالبات کاذب ترسیدند. حرکات قومی خرداد سال قبل متأسفانه توسط مردم، احزاب و نیروهای مترقی، و با آگاهی و تقابلی انسانی خنثی نشد. این تحركات با سرکوب وحشیانه رژیم و بر متن ضعف آمریکا، حامی اصلی جنبش ارتجاع قومی، موقتا کرد.

خاموش شد. جمهوری اسلامی در عین حال این تحرك ارتجاعی را به فال نیک گرفت. وعده داد که به جای بیمه بیکاری، برابری زن و مرد، لغو حجاب، حق کارگری، حق شادی، آزادی عقیده و بیان، به جای جواب به مطالبات دانشجویان علیه نظامی کردن دانشگاهها، به جای آزاد کردن زندانیان سیاسی، و پاسخ به فقر و اعتیاد و فحشا میلیونی، به جای همه اینها، به نیازها و خواستههای کاذب و دروغین "قومی" مردم فوراً پاسخ دهد.

رژیم هم همساز با رهبران قومی اعلام کرد که "درد قومی" را به رسمیت میشناسد. در اولین قدم دو روزنامه نگار را قربانی خفقان قومی و آنها را روانه بازداشتگاه ص ۳

— روسیه به اروپا حمله نمی کند. جمال کمانگر ص ۲

— تلاش برای مکتوب کردن بحث ها و

سخنرانی های منصور حکمت ص ۳

— تعدادی از قرارهای مصوب در نشست اخیر

دفتر سیاسی ص ۵-۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

روسیه به اروپا حمله نمیکند



جمال کامنگار

jamalkamangar@yahoo.com

مافیای های و سیاسی اقتصادی در روسیه باز شد و بسیاری از جمهوریهای خود را که قانونا جزو فدراسیون روسیه بودند از دست داد. اما بار دیگر آونگ ناسیونالیست میلیتانت روسیه در جهت عکس طاق در حال نواختن است. اینبار روسیه توسط پوتین که ناسیونالیست میلیتانت روس را نمایندگی میکند اداره میشود.

اگر تا دیروز روسیه برای سر پا ماندن خود به کمکهای پولی آمریکا نیاز داشت امروز با توجه به در اختیار داشتن بیش از چهل درصد بازار انرژی اروپا به بازبگری به مراتب جدی تر تبدیل شده است. اینکه دوباره آمریکا سیر دفاع موشکی خود را که در سال ۲۰۰۲ بعد از ۳۰ سال در اورپا تا حدودی برچید و موشکهایشان را از هدف گیری نسبت به همدیگر کنار گذاشتند. به بهانه اینکه گویا در مقابل موشکهای کره شمالی و ایران میخواد آنها را در جمهوری چک و لهستان دایر کند حاکی از توازن جدیدی است که در جهان در حال شکل گیری است. البته با عکسالعمل شدید روسیه مواجه شد. "ما دوباره

اورپا را هدف قرار خواهیم داد". سهم خواهی روسیه در عکس العمل شدید به سیر دفاعی توسط بوش قابل مشاهده است. سخنان بوش در این زمینه خیلی گویا و اوج استیصال وی را نشان میدهد. "روسیه به اروپا حمله نمیکند. روسیه دشمن ما نیست. برای همین ما با روسیه در جنگ نیستیم." او یا فقط با اکتفا به اینکه "عدم توافق در اینجا وجود دارد." چکیده سخنان بوش در مقابل پوتین رئیس جمهور روسیه بود. بوش دوران نقاهت و انزوای سیاسی و پس لرزهای شکست در عراق را دارد مژه میکند بی دلیل نیست که این سرخوردگی تا آنجا پیش رفت که پوتین را برای ویلا پدیش دعوت کرد. که یک جوری پوتین و زیاده خواهی هایش را کنترل کند.

روسیه دیگر توسط یک رئیس جمهور دائم الخمر اداره نمی شود. شاید این گویاترین تعبیری باشد که در حال حاضر در مورد موقعیت جدید روسیه پس از شکست بلوک شرق به کار برد. زمانی که روسیه در دهها و پنجره هایش را به سوی غرب باز کرد، حتی به قول معروف یک شکاف بزرگ را هم در سقف خانه اش باز گذاشت، تا هر چه بیشتر هوای دمکراسی پسا شکست امپراتوری خود را نفس بکشد. اما در عمل باعث هرج و مرج و برهم خوردن ابتدایی ترین نرملهای جامعه شد و به تعبیری فاجعه ای دردناک برای اکثریت مردم تبدیل شد. فضا برای

سیر تحولات اخیر در خاورمیانه، شکست نظامی اسرائیل از حزب الله و شکست کامل آمریکا در عراق نو فاکتوری بودند که باد نئومحافظه کاران را خالی کردند. جرج بوشی که نوید "دمکراسی آمریکایی" را در خاورمیانه و جهان میداد با شکست در عراق در مقابل حریف مغلوب جنگ سرد (روسیه) وضعیتی به مراتب وخیمتر دارد. در این مدت روسیه دوباره در سایه حکومت پوتین به درجه از لحاظ سیاسی و اقتصادی به ثبات رسیده است. به یمن بالا رفتن قیمت انرژی با توجه به منابع فراوانی که در اختیار دارد، سروسامانی به خود داده است. دوباره ادعای سهم خواهی از قدرت در جهان را دارد. شکست آمریکا و همپیمانان اورپایش در سطح منطقه ای باعث دست بالا پیدا کردن جریانات باند سیاهی و جمهوری اسلامی شده است. در سایه این شکست است که احمدی نژاد برای بوش و بلر "شیشکی" میبندد. اما در سطح جهانی برنده اصلی این جنگ روسیه و چین هستند. اینرا میتوان در اظهارات اخیر ولادیمیر پوتین میتوان به روشنی دید که آشکارا اورپا را تهدید میکند که هدف موشکهای هسته ایش قرار خواهد داد. بار دیگر توازن جهانی دست خوش تغییراتی شده است.

روسیه دیگر توسط یک رئیس جمهور دائم الخمر اداره نمی شود. شاید این گویاترین تعبیری باشد که در حال حاضر در مورد موقعیت جدید روسیه پس از شکست بلوک شرق به کار برد. زمانی که روسیه در دهها و پنجره هایش را به سوی غرب باز کرد، حتی به قول معروف یک شکاف بزرگ را هم در سقف خانه اش باز گذاشت، تا هر چه بیشتر هوای دمکراسی پسا شکست امپراتوری خود را نفس بکشد. اما در عمل باعث هرج و مرج و برهم خوردن ابتدایی ترین نرملهای جامعه شد و به تعبیری فاجعه ای دردناک برای اکثریت مردم تبدیل شد. فضا برای

جدانی دین از دولت، که مردم ایران بیان آن را به او تحمیل کرده اند، کتمان نمیکند که میخواد مذهب رسمی و دولتی داشته باشد، اصول پایه شیعه را حفظ کند و "بندبال رهبران مذهبی واقعی است". در همین مصاحبه اخیرش با رادیو فردا اعلام نموده است: "مساله جدا بودن دین از حکومت، خواسته خود رهبران مذهبی واقعی نیز هست. بنابراین این انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، با اصول پایه تشیع نیز مغایرت دارد."

آقای رضا پهلوی میداند مارکسیستها تنها مخالف مذهب، بلکه مخالف مذهب دولتند و مرحله به زیر کشیدن حکومت اسلامی، مرحله تعرض مردم و مارکسیستها به مذهب و اصول پایه تشیع رضا پهلوی و خامنه ای و منتظری و... است.

مارکسیستها به ضد مذهبی گری مشهورند. حامیان حکومت اسلامی و هر مذهبی نمیتوانند در صف مارکسیستها جای گیرند. آنها در صف طبقات حاکم در کنار حکومتهایی مانند حکومت اسلامی و سلطنتی و یا هر نوع حکومت سرمایه داری دیگر، در صف سرکوبگران، در صف حامیان مذهب جای دارند. مارکسیستها را نمیتوان دوستدار مذهب و حکومت مذهبی معرفی کرد. این تبلیغات نمیگیرد. رضا پهلوی بهتر است برود و درس تبلیغات ضد کمونیستی را از اربابان و حامیانش فرا گیرد. حامیانی که بن لادن و خمینی ها را پروراندند، حامیانی که مردم عراق را به این روز انداختند، حامیانی که در ستایش از پاپ مرزی نمیشناسند. کسی که خود را وارث حکومتی میداند که به دلیل زندان و شکنجه و اعدام همسری، جزء قوانین منعی کشور بود. نقش حکومت سلطنتی در گسترش مذهب، در فراهم آوردن زمینه های حکومت اسلامی کم نبود. اما حکومت اسلامی محصول سیاسی اربابان رضا پهلوی و پدرش، محصول آمریکا و غرب در مقابل خطر قدرت گیری مارکسیستها ضد مذهب است. محصول کنفرانس گوادولوپ است. این دیگر چیزی نیست که لازم به بیان داشته باشد.

رضا پهلوی حتی امروز، علارغم اعلام ظاهری طرفداری...

آقای رضا پهلوی باید به جای این حرفها به کوشش خود برای پیدا کردن تعداد هر چه بیشتری از آخوندهای که بتوانند "اصول پایه تشیع" مورد نظر رضا پهلوی را فراهم سازند، بیفزایند. تا اگر عراقی ساخته شد او هم سیستمی داشته باشد.

→ رضا پهلوی ...

بورژوازی جهان که تقریبا در همه کشورها دارای مذهب دولتی است و تکیه بر مذهب و تحمیل توده های مردم با مخدر مذهب، از ارکان حکومتیشان است و دستگاه کلیسا و پاپ و مسجد و آخوند نزدشان مقدس است، این را میگوید. شاید این جزء نادر حقایقی است که بورژوازی در تبلیغاتش بر علیه مارکسیستها دروغ نمیگوید. حالا رضا پهلوی که خود را وارث تاج و تخت پدرش و وارث حکومت او و رضا خان میداند، و حتما اگر روزی بتواند میخواد مانند پدرش از امدادهای غیبی هم بهره گیرد و حضرت عباس او را وقتی دارد از اسب میافتد بگیرد و امام زمان همیشه همراهش باشد و یاریش دهد و خیل آخوندهای مفتخور در "دربارش" رضه خوانی و نوحه خوانی کنند و هر سال راهی مکه و امام رضا و... شود، در آمده میگوید مارکسیستها جمهوری اسلامی را آوردند. البته برای اساعه ادب به ساختن مقدس اسلام کلمه جمهوری اسلامی را هم بر زبان نمی آورد، بلکه میگوید روحانیون حاکم. آقای رضا پهلوی که خود را وارث حکومتی میداند که در آن مطالعه کتابهای ضد مذهبی و نه فقط مطالعه بلکه داشتن آنها جرم بود و با زندان و شکنجه مواجه میشد، باید برود فقط این آثار جنایات را لایوشانی کند و بیخود به مارکسیستها حمله نکند.

اسلام و قوانین اسلامی بخش مهمی از حکومت سلطنتی در ایران بود، دین رسمی حکومت شیعه اتنی اشعری بود و بسیاری از قوانین اسلامی مانند چند همسری، جزء قوانین منعی کشور بود. نقش حکومت سلطنتی در گسترش مذهب، در فراهم آوردن زمینه های حکومت اسلامی کم نبود. اما حکومت اسلامی محصول سیاسی اربابان رضا پهلوی و پدرش، محصول آمریکا و غرب در مقابل خطر قدرت گیری مارکسیستها ضد مذهب است. محصول کنفرانس گوادولوپ است. این دیگر چیزی نیست که لازم به بیان داشته باشد.

ما قدرتی را سازمان میدهیم که جلو هر کس که بخواهد آزادی مردم را سلب یا محدود کند را بگیرد. این قدرت یک دولت است و یک نیرویی مسلح. دولتی حول منشور سرنگونی جمهوری اسلامی. با وجود چنین دولت و چنین نیروی مسلحی است که آزادی مردم تضمین است و به مردم آزاد انتخاب داده میشود.

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

درسهای بیادماندنی... ص ۱

نوعی در ارکستری متعرج به همنوایی با رهبران قومی از این تحركات حمایت کردند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در میان اپوزیسیون تنها جریانی بود که قویا در مقابل این تحرك ایستاد، از مردم خواست که در صف قوم پرستان و سازندگان عراق ویوگوسلاوی دیگر بسیج نشوند، دستگیری دو روزنامه نگار را محکوم کرد، خواهان آزادی آنها شد، از آزادی بدون قید شرط عقیده و بیان دفاع کرد و پرچم خواستهای انسانی مردم در مبارزه با جمهوری اسلامی را بلند کرد. امسال در سالگرد تحركات خرداد سال گذشته باز هم انواع دستجات قومی تحت نامهایی چون جنبش دانشجویی آذربایجان، حرکت ملی آذربایجان و ... فعالانه تلاش میکنند که سوار بر نفرت مردم از رژیم، برای خود دستمایه سیاسی بسازند و مردم را در صفوف خود متشکل کنند. تلاش میکنند با اطلاق عناوین کاذب و دروغین به رژیم ایران تحت نام "دولت فارس"، "حکومت شیعه" و "آپارتاید فارس" دولت سرمایه داری و حاکمیت خفقان اسلامی را

باید این عوامفریبی و دروغی که بر پایه های آن میتوان برای ایران آینده ای به مراتب تاریکتر و خوفناکتر از عراق تدارک دید، را افشا کرد.

حساب باز کردن بر روی تحركات قومی و ایجاد شکاف و تفرقه در صفوف مردم تحت عنوان قومیت ها و ملیت های مختلف، در جدال با جمهوری اسلامی، تکیه گاه و امید سناریو تحقق "رژیم چینج" آمریکا برای بعد از جمهوری اسلامی بود. خواهد بود. فقدان یک قطب پیشرو، مترقی و کمونیستی در صف مقدم سرنگونی رژیم، همیشه خطر عروج این دستجات و عراقیزه شدن و یوگوسلاویزه شدن ایران را بالای سر جامعه قرار داده است. جامعه ایران از این نظر واکنشینه نیست. چیزی که آن را واکنشینه میکند به صف شدن میلیونی مردم در صف اعتراض خود، حزب خود و جنبش مترقی و سوسیالیستی خودشان است. مهمترین درس تحركات قومی سال گذشته یادآوری این واقعیت است که دشمن دشمن، دوست مردم نیست.

نوعی در ارکستری متعرج به همنوایی با رهبران قومی از این تحركات حمایت کردند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در میان اپوزیسیون تنها جریانی بود که قویا در مقابل این تحرك ایستاد، از مردم خواست که در صف قوم پرستان و سازندگان عراق ویوگوسلاوی دیگر بسیج نشوند، دستگیری دو روزنامه نگار را محکوم کرد، خواهان آزادی آنها شد، از آزادی بدون قید شرط عقیده و بیان دفاع کرد و پرچم خواستهای انسانی مردم در مبارزه با جمهوری اسلامی را بلند کرد. امسال در سالگرد تحركات خرداد سال گذشته باز هم انواع دستجات قومی تحت نامهایی چون جنبش دانشجویی آذربایجان، حرکت ملی آذربایجان و ... فعالانه تلاش میکنند که سوار بر نفرت مردم از رژیم، برای خود دستمایه سیاسی بسازند و مردم را در صفوف خود متشکل کنند. تلاش میکنند با اطلاق عناوین کاذب و دروغین به رژیم ایران تحت نام "دولت فارس"، "حکومت شیعه" و "آپارتاید فارس" دولت سرمایه داری و حاکمیت خفقان اسلامی را

بعلاوه برای بدست آوردن دل رهبران خودگمارده قوم "ترک"، لایحه ممنوعیت توهین به مقدسات قومی و ملی را هم به ممنوعیت های اسلامی اضافه کرد. و به این ترتیب تحركات قومی به بخشی از خواستهای رسید. بنام "مردم" و به قیمت کشته، زخمی و دستگیری "مردم"، حق آزادی بیان بیش از پیش نقض شد! بنام "مردم" اختناق سیاسی و فرهنگی تعمیق شد و مقام سرکوب گر "قوم الله" در کنار مقامات قبلی سرکوب گر "حزب الله" بر فراز سر مردم بچاره ایران رسمیت یافت!

آن تحركات که امید به پیشروی را نه از مبارزه بر حق مردم که به حمایت و پول و اسلحه آمریکا گره زده بود، با بن بست آمریکا در عراق و شکست بوش، موقتا افت کرده است. اما خطر عروج مجدد آن بلای سر جامعه همچنان در پرواز است. درسهای خرداد قومی را باید مرور کرد.

متأسفانه تمام اپوزیسیون مخالف رژیم، چپ و راست، هر یک به

بیاتیه در سایت حزب قابل دسترسی است.

در بزرگداشت دستاوردهای یک زندگی پر بار

بمناسبت هفته حکمت ۲۰۰۷

تلاش برای مکتوب کردن بحث ها و سخنرانی های منصور حکمت

همایون گدازگر
• اظهار نظر در بحث ایرج آذرین درباره وحدت جهانی مارکسیستها - صالح خضری

• اولویتهای کمیته مرکزی - افق آینده پس از انقباض در مبارزه نظامی رحمان حسین زاده
• بحث در کنگره اول ام.ک - سمینار اوضاع سیاسی و تاکتیکیها - سیوان رضائی
• بخشی از حزب و جامعه، مکانیسمهای اجتماعی قدرت سیاسی - سخنرانی در پلنوم نهم حزب کمونیست کارگری ایران - غفور زرین
• بحث در سمینار حزب کمونیست ایران درباره اتحادیه های کارگری لادن داور
• با تشکر از همه رفقای که متحقق کردن این پروژه ارزشمند را ممکن کردند.
• آذر مدرسی

• - برهان دیوارگر درباره تحرّبات و اصول سازمانی حزب - سخنرانی در کنفرانس سالانه تشکیلات سوند - رسول پناوند
• جمع بندی از کنگره اتحاد مبارزان کمونیست ارتباط و دیالوگ با کومه له در مورد برنامه - صالح خضری
• بحث در کنگره اول ام.ک - سمینار بحث آزاد درباره حزب - ابوبکر شریف زاده
• بخشی از سمینار شمال - بحث و سخنرانی درباره تشکیل حزب کمونیست ایران - پری زارع
• درباره نتایج پلنوم دوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

ادیت اعظم کم گوینان
متون زیر در دست پیاده و یا ادیت هستند که بتدریج به در اختیار سایت منصور حکمت قرار خواهد گرفت.
• ارزیابی مصوبات پلنوم کم.م. کومه له - جنگ با حزب دمکرات و مسأله هژمونی در "جنبش" (بخش اول) - وریا صدری و معصومه شهبازی
• ارزیابی مصوبات پلنوم کم.م. کومه له - جنگ با حزب دمکرات و مسأله هژمونی در "جنبش" (بخش دوم) - رضا کمانگر
• تبلیغ و تهییج کمونیستی - بحث در سمینار رادیو صدای حزب کمونیست ایران

دورنمای حزب (داریوش نیکنام، ملکه عزتی، ناصر مرادی) ادیت اثر مدرسی
• کنگره دوم حزب کمونیست ایران - گزارش به کنگره، مشکلات و مسائل حزب نسان نودینیان ادیت اثر مدرسی
• سیاست حزب در رابطه با آکسیون اول ماه مه - سمینار کمیته شهر حزب کمونیست ایران اسد نودینیان ادیت محمود قزوینی
• درباره مناسبات سرمایه داری - مصاحبه با رادیو انترناسیونال خالد حاج محمدی ادیت اثر مدرسی
• بخش اول سخنرانی در باره خصوصیات حزب کمونیست ایران حسین مراد بیگی

همانطور که قبلا اعلام کرده بودیم حزب حکمتیست بمناسبت هفته حکمت ۲۰۰۷، علاوه بر انتشار ضمیمه دوم منتخب آثار منصور حکمت، و برنامه های خود، تلاشی همگانی برای مکتوب کردن بحث های و سخنرانی های او را در اولویت کار خود قرار دهد. این کار توسط رهبری حزب آغاز شد و تا کنون مباحث و سخنرانی های زیر مکتوب شده و در اختیار خسر داور، مسئول سایت منصور حکمت، قرار گرفته است.
• سخنرانی در مورد حزب کمونیست سعید یگانه ادیت محمود قزوینی
• مبحث جایگاه کومه له در حزب کمونیست سیما اسد بیگی، ادیت اعظم کم گوینان
• کنگره دوم حزب کمونیست ایران - گزارش کمیته مرکزی، موقعیت و

نه قومی، نه اسلامی، زنده باد هویت انسانی!

ارزیابی ما از حزب "اتحاد کمونیسم کارگری"

درست حول همین شکاف تاریخی و سیاسی به دو بخش، یعنی به جریانات اصلی تشکیل دهنده آن تجزیه شد. امروز سه سال بعد از فعالیت نظری، سیاسی و تشکیلاتی مستقل این دو جریان، جامعه دو حزب حکمتمیست و حزب کمونیست کارگری ایران را نه با تاریخ مشترک آنها بلکه با مواضع کاملاً متمایز آنان باز میشناسد.

جدانی در حزب کمونیست کارگری ناشی از زیر پا گذاشتن اصول سازمانی و مقررات تشکیلاتی از جانب اقلیت کمیته مرکزی حزب بود. امروز حزب حکمتمیست علیرغم تمام مشکلات به همت یک رویکرد جنبشی و تئوریک منسجم و با کوشش صافی از کمونیست های ایران و عراق هویت متمایز و برجسته ای را در کمونیسم ایران کسب کرده است. فراخوان "اتحاد کمونیسم کارگری" دعوت به تسلیم کردن سنت سیاسی و تشکیلاتی متمایز حزب ما به مواضع ناسیونالیسم ملیتانت حزب کمونیست کارگری و عبارتی دیگر دعوت به عقب نشینی در مقابل چپ سنتی است.

۲ - حتی اگر فرض بگیریم که مسئله اتحاد کمونیسم کارگری در شکل فرمال آن هم واقعیت میداشت، فراخوان حزب اتحاد کمونیسم کارگری حقیقت را نمایندگی نمیکند.

الف - رهبران جریان اتحاد کمونیسم کارگری خود از جمله تئوریسین ها و سردمداران تعرض به خط حکمت و زیر پا گذاشتن آگاهانه اصول و موازین سازمانی حزب کمونیست کارگری و تحمیل کردن جدانی ما از این حزب بودند. امروز چنین رهبرانی که حتی یک قدم در نقد جدی سیاست ها و روش تشکیلاتی خود و رهبری حزب کمونیست کارگری ایران بر نداشتند و مسئولیت عملکردشان را بعهده نگرفته اند، فاقد اعتبارنامه سیاسی لازم برای صدور چنین فراخوانی هستند. در غیاب یک بازبینی و نقد جدی، فراخوان اتحاد کمونیسم کارگری بعنوان یک اقدام تاکتیکی فرصت

طلبانه و بنا به اقتضای روز مینی پیدا میکند.

ب - قاعدتاً حزب سیاسی برای تصرف قدرت سیاسی سازمان می یابد. حزب اتحاد کمونیسم کارگری اما فلسفه خود را اتحاد دو حزب دیگر اعلام کرده است. از نظر ما تلاش برای اتحاد دو حزب حکمتمیست و کمونیست کارگری نیازی به تشکیل یک حزب سیاسی سوم و میانجی ای که خود زندگی را با جدانی از حزب کمونیست کارگری شروع کرده است ندارد. حزب حکمتمیست و حزب کمونیست کارگری بعنوان دو حزب سیاسی خود مستقل از حزب اتحاد کمونیسم کارگری میتوانند روابط شان را تعیین کنند و نیازی به واسطه ندارند.

۲ - هویت سیاسی - جنبشی حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱ - از نظر تئوریک، خط چپ سنتی حاکم بر حزب کمونیست کارگری بر یک اغتشاش تمام کمال پوپولیستی استوار است. این جریان در فکر انجام انقلاب سوسیالیستی طبقه کارگر به نیروی یک جنبش علی العموم سرنگونی است. این سنت به طبقه کارگر وعده میدهد که کل "مردم" از بورژوا و کارگر و خرده بورژوا نیروی تحقق سوسیالیسم خواهند بود.

۲ - سرپوش گذاشتن بر اهداف متمایز و متناقض سوسیالیستی طبقه کارگر با اهداف دمکراتیک بخش های اصلی بورژوازی در جامعه مثل همیشه ابزار اختلاط جنبش کمونیستی طبقه کارگر با این یا آن بخش جنبش ناسیونالیستی است. از نظر سیاسی و جنبشی این پوپولیسم مانند همه پیشینیان خود پرده ساتر فراخواندن طبقه کارگر به زیر پرچم ناسیونالیسم است. خط حاکم بر حزب کمونیست کارگری نه یک انحراف فکری و نظری "بورژوائی" از مارکسیسم بلکه یک جنبش اجتماعی بورژوائی را نمایندگی کرده و میکند. جنبش ناسیونالیسم پرو غرب ایرانی. این پوپولیسم جناح ملیتانت تر و رفرمیست تر این سنت را نمایندگی میکند. شرط استقلال جنبش طبقه کارگر ریشه کن کردن این اغتشاش نظری در میان کمونیست ها و نشان دادن فاصله عمیق میان جنبش سوسیالیستی با تمام شاخه های جنبش ناسیونالیستی است.

فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری از نظر سیاسی هیچ نقدی به سیستم نظری و جنبشی رهبری حزب کمونیست کارگری که خود جزء آن بوده است ندارد. از نظر ما حزب اتحاد کمونیسم کارگری تا اینجا تماماً به همان سیستم تئوریک، سیاسی و جنبشی حزب کمونیست کارگری تعلق دارد و

را به مجریان سیاستی که درست میداند میدهد. فلسفه حزب سیاسی همین است. از نظر ما فرمول "جراحی تشکیلاتی" غیر سیاسی کردن انتخابات ها، قائل شدن به حقوق و امتیاز اضافی برای افراد معین و یا فراکسیون هاست.

۴ - رفتار و مواضع عملی در قبال حزب حکمتمیست

صرف نظر از مواضع سیاسی این حزب که در بالا به آن اشاره شد، تاکنون رفتار عملی آنها در قبال حزب حکمتمیست گرچه مودبانه تر از سابق بود اما برخلاف فریاد های وحدت طلبانه آنها سیاست شان بر سرمایه گزاری بر شکاف ها و اختلافات احتمالی متکی بوده است. این جریان تلاش برای ایجاد از طریق تماس های برنامه ریزی شده با کسانی که به تصور آنها "مخالفین خط رسمی" در حزب حکمتمیست هستند پیش میبرد. آنها متأثر از تصویر سنتی شان از حزب یک بنی، هر بحث و اختلاف نظر سیاسی در حزب ما را که از ادانه بیان میشود بعنوان "مخالفین خط رسمی" ترجمه میکنند. روشن است که رهبران "حزب اتحاد کمونیسم کارگری" مانند هر کس حق دارند با هر راضی یا ناراضی، هر موافق یا مخالفی در حزب ما تماس بگیرند اما با این سیاست نباید انتظار داشته باشند که نه در این حزب و نه در دنیای بیرون کسی ادعاهای وحدت طلبانه آنها را جدی بگیرد.

۳ - رفتار و مواضع تشکیلاتی در حزب کمونیست کارگری

از نظر ما رفتار و مواضع تشکیلاتی این جریان در حزب کمونیست کارگری با مبانی تحزب سیاسی خوانائی ندارد:

۱ - این جریان خود را متعهد به رعایت اصول سازمانی که خود آن را داوطلبانه پذیرفته است نمیداند. به تعهد خود پایبند نیست. اصول سازمانی و موازین مصوب حزب کمونیست کارگری رعایت مقررات و مصوبات حزبی بویژه توسط اعضای کمیته مرکزی را ضروری میکند. پلنوم این حزب فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری را نپذیرفت. در چنین شرایطی راه اصولی احترام به رای پلنوم و انحلال فراکسیون و یا جدانی از حزب کمونیست کارگری بود. ماندن در یک حزب، عدم پذیرش اتوریته کمیته ها و نهاد های انتخابی حزب و بالاخره تحمیل یک جنگ فرسایشی و فرا تشکیلاتی به آن حزب روشی اصولی نیست. فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری حزب آلترناتیوی را در درون حزب کمونیست کارگری تشکیل داد و در واقع بعنوان یک محفل غیر قابل حساسی و غیر پاسخگو در حزبی که عضو آن بود رفتار کرد. این روش با مقتضیات یک رابطه سالم سیاسی خوانائی ندارد.

۲ - رهبران حزب اتحاد کمونیسم کارگری در نقد عدم انتخاب شدن خود در دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری طرف مقابل را به "جراحی تشکیلاتی" متهم کردند. این روش در واقع به معنای مردود اعلام کردن انتخابات سیاسی است. فلسفه داشتن حق رای در هر انتخاباتی دقیقاً همین است. هر کس رای اش

۵ - نتیجه گیری و سیاست ما در قبال این حزب

۱ - حزب اتحاد کمونیسم کارگری از نظر سیاسی و نظری در همان سنت چپ حزب کمونیست کارگری قرار دارد و تا اینجا نزدیکی خاصی به حزب ما ندارد. از نظر ما اقدام که این جریان به نقد جدی ای از رویکردهای فکری و سنت سیاسی چپ حاکم بر حزب کمونیست کارگری نرسد نزدیکی ویژه ای با ما نخواهد یافت.

۲ - حزب "اتحاد کمونیسم کارگری" پرچمی برای جمع آوری "مخالفین" و "ناراضیان" در حزب کمونیست کارگری و حزب حکمتمیست است. چنین حزبی از حد یک جریان محظی بی آینده عبور نخواهد کرد.

۳ - سیاست ما در قبال این حزب همان سیاست ما در قبال حزب کمونیست کارگری است: نقد جدی مبانی نظری و سیاسی، نقد روش های عملی سنت چپ ناسیونال-پوپولیست است.

توضیح: دفتر سیاسی حزب حکمتمیست در جلسه ۲۰ مه ۲۰۰۷ خود، فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری را به عنوان یک جریان سیاسی موجود مورد بحث و ارزیابی قرار داد. دفتر سیاسی به کمیته رهبری ماموریت داد که نتیجه این ارزیابی را مدون و منتشر نماید. کمیته رهبری حزب در جلسه ۶ ژوئن سند زیر را به عنوان مبنای برخورد به "حزب اتحاد کمونیسم کارگری" تصویب نمود.

گرچه تاکنون این جریان مواضع متعولی داشته است اما در مجموع حرکتی کمابیش پیوسته و قابل ارزیابی است. در این سند فراکسیون و حزب اتحاد کمونیسم کارگری به عنوان یک جریان سیاسی موجود مورد ارزیابی است.

۱ - فلسفه وجودی

این حزب هدف خود را اتحاد آنچه از نظر آنها جریانات مختلف کمونیسم کارگری هستند اعلام کرده است. از نظر ما:

۱ - اکنون دیگر کمونیسم کارگری بعنوان یک جریان واحد سیاسی موجودیت ندارد. حزب کمونیست کارگری تا مقطع جدانی ما بستر مشترک خط حکمت و چپ سنتی بود که شرایط خاص تاریخی و سیاسی تشکیل آن را ایجاد و ادامه حیات آن را ممکن میکرد. اما تحت تأثیر رویداد های سیاسی ایران و جهان و همچنین از دست رفتن منصور حکمت، این حزب

روزنامه منصور حکمت کارگری ایران

منصور حکمت

شماره ۲

منتخب آثار

روزنامه منصور حکمت کارگری ایران

www.beknemat.com

تعدادی از قرارهای مصوب در نشست اخیر دفتر سیاسی

قرار شماره ۱ - قرار در مورد

تضمین وحدت اراده در حزب

با توجه به اینکه:

حزب حکمتیست وجود اختلاف و تعدد نظر و حق تشکیل فراکسیون حزبی را به رسمیت میشناسد و بیشترین فرجه را برای طرح نظرات مختلف و تلاش برای تبدیل این نظرات به سیاست رسمی حزب قائل است،

موضع گیری های رسمی حزب مطابق قرار "در مورد چارچوب موضع گیری های رسمی حزب" مصوب پلنوم ششم، به عرصه سیاسی و به حداقل لازم برای تضمین عملکرد واحد حزب در عرصه های اصلی سیاست محدود است،

حزب حکمتیست در مورد تنوری و مباحث تنوریک رای گیری نمیکند،

در این حزب بیشترین مجال و بالاترین ابعاد آزادی ممکن در یک حزب سیاسی برای اعضا و کادرهای آن فراهم است.

در همان حال از آنجا که، حزب یک انجمن بحث و تبادل نظر نیست. حزب حکمتیست حزب سیاسی برای سازمان دادن انقلاب سوسیالیستی است. برای تضمین قابلیت حزب در مقابله با بورژوازی و برای تضمین قابلیت حزب در سازمان دادن یک قیام و انقلاب علیه دشمن تا ندان مسلح و به مراتب از نظر مالی و امکانات قدرتمند تر، حزب حکمتیست تنها میتواند با اعتماد به توافق داوطلبانه و اراده متحد اعضا و کادرهای خود حساب کند و بر آن متکی باشد.

در نتیجه، حزب حکمتیست گرچه بالاترین درجه انعطاف در شنیدن و در اجازه طرح نظرات مختلف را دارد، اما با روشن شدن سیاست و اخذ تصمیم در هر مورد کمترین تحمل را در زیر پا گذاشتن مقررات، روش ها و تصمیمات مصوب حزبی را دارد. پلنوم هفتم تمام کمیته های حزبی بویژه کمیته رهبری و دفتر سیاسی را به اعمال اشد دیسیپلین در انجام سیاست ها و مصوبات رسمی حزب فرا میخواند.

قرار شماره ۲ - قرار در مورد

ساختن حزب

پلنوم هفتم کمیته مرکزی بر قطعنامه "درباره اوضاع ایران و مصاف های حزب حکمتیست"، مصوب کنگره اول، تاکید میکند و از تمام حزب و بویژه از همه کمیته های میخواد در اجرای این قطعنامه تمام نیروی خود را بکار

گیرند.

پلنوم تاکید میکند که در این دوره بویژه ساختن حزب حکمتیست به عنوان یک حزب سیاسی، کمونیستی موثر اهمیت حیاتی دارد. هدف بلاواسطه همه کمیته ها باید ساختن یک حزب سیاسی بزرگ، رزمنده، مصمم و اجتماعی منطبق بر مصوبات کنگره اول باشد. حزب حکمتیست باید محمل و لولای اتحاد و ادغام قدرت سازمان دهی و قابلیت ازیاتورها و رهبران سیاسی اجتماعی کمونیست در یک مکانیسم انگره و یکپارچه حزبی باشد.

چنین حزبی بدون وجود یک ماشین سازمانی توانا ممکن نیست. پلنوم هفتم کمیته مرکزی تاکید میکند که ساختن حزب در کلیه وجه آن اولویت مهم حزب در این دوره است. از جمله

۱. حزب باید رسمی شود. کمیته ها و ارگان ها و نهاد های حزبی باید مسئولیت کامل عرصه فعالیت خود را بر عهده بگیرند. کمیته ها در چارچوب همه جانبه ای که سند وظایف کمیته های حزبی ترسیم کرده است عمل کنند و در مقابل انجام وظایف خاص خود پاسخگو باشند.

۲. گسترش سریع صف کسانی که قادر به رهبری حزب در نهاد ها، در سطوح مختلف هستند شرط اساسی قابلیت گسترش حزب است. پلنوم توجه حزب را به ارکان زیر جلب میکند:

الف. واگذار کردن مسئولیت و دادن اختیار لازم به کمیته ها و مسئولین حزبی برای کارکرد حزب و برای انتقال قابلیت ها و تجربیات به طیف وسیع تری از کادرهای کمونیست ضروری است.

ب. همه کمیته ها باید بطور ویژه به صف کمونیست هائی که در ابعاد وسیع در ایران به این حزب جلب شده اند توجه کنند و برای عبور از جلب به جذب شدن در حزب اولویت تمام قائل شوند.

پ. اجرای قرار مربوط به تعیین معاون برای همه پست های حزبی یکی از مکانیسم های تامین ادامه کاری ارگان ها و همچنین جانشین سازی است و باید مورد توجه قرار گیرد.

ت. استاندارد کردن فعل و انفعال های حزبی و مسئولیت های تشکیلاتی و آموزش سیستماتیک آنها به طیف هر چه وسیعتری از کادرها شرط تامین شبکه وسیع کادرهای با تجربه کمونیست است که لازمه ساختن یک حزب بزرگ سیاسی میباشد.

ث. دفتر سیاسی و کمیته رهبری

باید در این زمینه مقررات، موازین و اسناد لازم برای آموزش را تهیه و ابلاغ نمایند. پلنوم هفتم بخصوص بر اجرای کلیه قرارهای مربوط به مقررات و روش های تشکیلاتی تاکید میکند.

قرار شماره ۳ - در باره کار

کمیته های حزبی

این سند بر مبنای سند پایه کمیته های حزبی مصوب پلنوم ششم تهیه شده است. بند های این سند مکمل یکدیگر هستند و با هم موضوعیت پیدا میکنند. روشن کردن هر ابهامی در این سند در صلاحیت بالاترین ارگان رهبری نشسته حزب است.

۱. کمیته های حزبی مسئولیت سازمان دهی، هدایت و رهبری حزب و جامعه در عرصه فعالیت خود هستند. در این رابطه:

تضمین انجام کلیه فعل و انفعالات حزبی و همچنین تعیین و اجرای سیاست ها و اقدامات لازم چه در بعد حزبی و چه در بعد اجتماعی در عرصه فعالیت هر کمیته وظیفه پایه آن کمیته است. این فعل و انفعالات و سیاست ها باید در انطباق با سیاست ها و مواضع حزب باشد. سیاست های حزب توسط ارگان های ما فوق رسماً ابلاغ میشود و یا در ارگانهای حزب منتشر میگردد.

کمیته ها باید محدوده صلاحیت کمیته و یا ارگانهای تابعه خود را به رسمیت بشناسند، به این نهادها امکان انجام وظایف شان را بدهد و از دخالت نالازم در کار آنها خود داری کنند. برای کمک به انجام این امر خطوط راهنمای زیر مینا قرار داده میشود:

کمیته ها باید آن سیاست ها و اقدامات را تعیین کنند که ناظر بر کار همه کمیته های تابع آنها است. انطباق این سیاست ها و اقدامات بر شرایط ویژه فعالیت هر کمیته زیر دست و پا تصمیم گیری در مورد اقدامات و سیاست های لازم دیگر که جنبه خاص برای کمیته زیر دست دارد وظیفه خود آن کمیته است.

هر کمیته تنها در آن سیاست ها و اقدامات کمیته های زیر دست خود حق دخالت دارد که آن سیاست یا اقدام نتیجه ای بلاواسطه فراتر از محدوده عمل کمیته زیر دست داشته باشد یا آن سیاست و اقدام اتخاذ شده مغایر سیاست ها، نقشه و مواضع حزب باشد.

کمیته های حزبی برای انجام وظیفه خود باید اختیار لازم را داشته باشند از جمله:

کمیته ها میتوانند در مورد سیاست ها و اقدامات لازم در عرصه فعالیت خود در چارچوب بند های دیگر این سند تصمیم گیری کنند.

کمیته ها میتوانند به نام خود این مواضع را اعلام کنند، و حزب و جامعه را با استفاده از کلیه وسایل ارتباط جمعی مخاطب قرار دهند. کمیته ها حق سازمان دادن چنین وسایل ارتباط جمعی (اعلامیه، بیانیه، اطلاعیه، نشریه، رادیو، تلویزیون، تبلیغات اودیو و ویدئو، اینترنت و ...) را دارند.

کمیته ها حق و وظیفه عضو گیری و گسترش حزب در عرصه فعالیت خود را دارند.

کمیته ها حق و وظیفه سازمان دادن کمیته های جدید در محدوده فعالیت خود را بر اساس چارت مصوب حزب دارند. چارت سازمانی حزب در هر منطقه توسط کمیته منطقه تعیین میشود.

کمیته ها حق دارند در صورت عدم انطباق فعالیت و سیاست های یک کمیته یا یک تشکیلات تابع خود بر سیاست ها و مواضع حزب، این کمیته یا این تشکیلات

را منحل نمایند. انحلال هر کمیته باید مورد توافق کمیته مافوق هم قرار گرفته باشد. انحلال یک تشکیلات باید به تایید کمیته منطقه و یا عالیترین کمیته رهبری نشسته حزب برسد. انحلال کمیته منطقه ای در صلاحیت پلنوم کمیته مرکزی و انحلال تشکیلات منطقه ای در صلاحیت کنگره حزب است.

۲. گزارش دهی روتین به کمیته مافوق وظیفه همه کمیته ها است.

هر کمیته باید امکان بازرسی همیشگی توسط ارگان های مافوق را تضمین کند و کمیته مسؤل خود را در جریان کلیه فعل و انفعالات تشکیلاتی و اجتماعی قرار دهد و به سوالات ارگان مافوق پاسخ دقیق و درست بدهد.

۳. کمیته های حزبی باید نمونه رعایت بالاترین دیسیپلین تشکیلاتی در انجام وظایف خود باشند.

۴. کمیته های حزبی باید نمونه رعایت انصاف، اصول و موازین حزبی و سیاسی باشند.

۵. کمیته های حزبی باید سمبل مدرنیسم و راندمان بالای سازمانی و همچنین گزارش دهی دقیق، ایژکتیو و مبتنی بر فاکت های قابل سنجش باشند.

۶. کمیته های حزبی در مقابل انجام وظایف خود پاسخگو هستند و مسئولیت نارسائی و عدم تکافو در حوزه مسئولیت مستقیماً بر عهده آنهاست. کمیته ها در مورد همه امور دلایل روشن عدم پیشرفت کار و همراه آن راه حل پیشنهادی خود برای فائق آمدن بر این مشکلات را در مقابل کمیته

مافوق قرار دهند. توانائی و صلاحیت هر کمیته را با درجه قابلیت او در ظاهر شدن در چنین نقشی سنجیده میشود.

۷. هدف بلاواسطه همه کمیته ها ساختن یک حزب سیاسی بزرگ، رزمنده، مصمم و اجتماعی منطبق بر مصوبات کنگره اول است. بویژه:

الف. هر کمیته حزبی مسئول انسجام، اتحاد و رزمندگی تشکیلات تحت مسئولیت خود است. کمیته های حزبی و اعضای آن باید منبع و نمونه انرژی، خوش بینی، اعتماد، اتحاد، عجله و بشاشیت در حزب و در جامعه باشند.

ب. کمیته های حزبی باید مانع فرمالیسم سازمانی نظیر جایگزین شدن "مراسم انجام یک کار" بجای انجام آن کار، معطوف بودن به فضاهای مجازی غیر واقعی، بخصوص به چپ سنتی و غیر اجتماعی، نوشتن برای رضایت خاطر خود و نه تغییر دنیای بیرون جنگیدن با دشمنان سیاسی معین، و ... شوند.

پ. کمیته های حزبی باید تضمین کنند که با کلیه موانعی که پیوستن مردم و بخصوص رهبران و ازیاتورها کمیته نیست طبقه کارگر به این حزب را دشوار میکند مبارزه کنند. کلیه جنبه های غیر اجتماعی در عمل و سیاست و چهره این حزب را تغییر دهند. باید تضمین کنند که حزب چهره ای همه جانبه و هر چه جذاب تر برای طبقه کارگر و برای هرکس که علیه بی عدالتی مبارزه میکند داشته باشد.

ت. کمیته های حزبی باید حزب را به زنجیری تبدیل کنند که کل بافت مبارزاتی در طبقه کارگر و در جامعه را به هم گره میزند.

ث. دبیر و جمع های منتخب کمیته ها، مادام که جایگزین نشده اند، حمایت کمیته در فاصله دو نشست کمیته را خواهند داشت.

ج. کمیته های حزبی باید تضمین کنند که نقشه ها و سیاست های مصوب با سرعت و راندمان و استاندارد بالا انجام گیرد.

خ. عضویت در کمیته ها و ارگان های غیر نشسته (کمیته مرکزی، دفتر سیاسی و ...) پست تشکیلاتی نیست. اعضای این کمیته ها باید در نهاد ها و فعل و انفعالات جاری حزب دارای سازمان باشند.



ح. اعضای کمیته های تشکیلات های محلی و جغرافیایی حزبی نمیتوانند عضو تشکیلات دیگری در حزب باشند.

دفتر سیاسی و کمیته رهبری باید تضمین کنند که رابطه کادرها با رهبری حزب را بر متن یک اتحاد و سیاسی و منطبق با موازین و مقررات حزبی، و عاری از هر معیار و رابطه محفلی و مستقل از ضوابط و معیارهای اخلاقی را تحکیم نمایند و یک حزب یک پارچه و متحد را سازمان دهد.

قرار شماره ۴ - در مورد مقررات حزبی مصوب پلنوم دهم حککا

پلنوم هفتم بر موازین و مقررات سازمان حزب، مصوب پلنوم دهم حککا (سال ۱۹۹۹) تاکید میکند و اجرای آنها را جزئی از تلاش برای ساختن حزب میداند.

قرار شماره ۵- مقررات تکمیلی در مورد ایجاد فراکسیون

پلنوم هفتم کمیته مرکزی در تکمیل متمم اصول سازمانی در مورد تشکیل فراکسیون های حزبی مقررات زیر را به تصویب میرساند:

۱. اعضای حزب میتوانند هر انجمن، کانون ویا کلوبی را تشکیل دهند یا عضو چنین نهاد هائی شوند به شرط آنکه این سیاست ها و اهداف این نهاد ها با اهداف برنامه ای حزب متناقض نباشد. این نهاد ها غیر حزبی هستند.
۲. فراکسیون یک جمع تبادل نظر و یا جمع هم نظر نیستند. یک فراکسیون یک سازمان حزبی است و حزب برای آن حقوقی را به رسمیت میشناسد. فراکسیون یک سازمان حزبی در مقابل خط رسمی حزب است برای سوق دادن حزب به سمت دیگری.
۳. فراکسیون حزبی تنها بعد از تصویب رسمیت آن از جانب کمیته های مسئول مطابق متمم اصول سازمانی رسمیت میابد.
۴. هر فراکسیون باید در محدوده عمل مورد تقاضای خود پلتفرم سیاسی و برنامه ی آلترناتیو خود

در مقابل خطر رسمی را ارائه دهد. ۵. اسامی اعلام کنندگان و سخنگویان اصلی فراکسیون باید روشن باشد.

۶. از آنجا که فراکسیون در برابر خطر رسمی تشکیل میشود، لازم است رسماً و کتبا بر دفاع از انضباط و موازین تشکیلاتی حزب، قبول قانونیت مجاری رسمی حزب برای طرح نظرات و اختلافات، قبول مشروعیت مصوبات کمیته های حزبی، قبول مشروعیت رهبری و ارگانهای حزبی تاکید کند. تشکیل فراکسیون به معنی خروج از انضباط و موازین حزب نیست.

با تشکیل هر فراکسیون، اکثریت یا مدافعین خطر رسمی حزب نیز میتوانند در مقابل آن فراکسیون در انتخابات و یا در تعیین مسئولین و سیاست ها بعنوان یک فراکسیون سازمان یافته ظاهر شوند.

شماره ۶ - تشکیل بنیاد آموزشی مارکس - انگلس

۱. هدف بنیاد تولید مواد آموزشی ادیو ویزوال در جهت بر آورده کردن نیاز های آموزشی حزب بخصوص در داخل ایران است.
۲. به جز درمورد آموزش و ترویج مواضع و سیاست های عملی مصوب حزب که باید به تأیید مسئولین حزبی برسد بقیه اسناد و تولیدات آموزشی میتواند متنوع و متعدد باشد.
۳. تهیه ماتریال آموزشی بر اساس دعوت از افراد، تهیه برنامه های آموزشی، و یا درخواست مقاضی برای تولید ماتریال آموزشی برای یک بحث است.

۴. بنیاد آموزشی به تولید مواد آموزشی میپردازد که در هر دوره مفید باشند و مستقیماً در دستور کار حزب هستند. پذیرش یا رد هر پروژه در صلاحیت مسئول بنیاد است. بنیاد آموزشی جزو نهاد های تابعه رهبری نشسته حزب است.

شماره ۷ - قرار در مورد نحوه پیش برد اختلاف نظر در حزب

شرط تضمین پیشبرد درست اختلاف نظر در حزب پذیرش

رسمیت و احترام نهاد ها و ارگان های حزبی از طرف همه طرف های درگیر در یک بحث است. در این رابطه پلنوم هفتم به خصوص بر چند اصل زیر تاکید میکند:

از آنجا که سیاست و حزبیت کمونیستی معطوف به روش فعالیت جمعی و سازمان یافته است، هر سیاست و روشی که توسط هر فرد یا جمعی بعنوان یک روش سیاسی و یا تشکیلاتی در پیش گرفته میشود باید قابل تعمیم و قابل اتخاذ توسط همه باشد.

تحریم فعالیت در ارگان های حزبی به عنوان یک شیوه اعتراض اقدامی انحلال طلبانه و ضد حزبی است. تبلیغ و تشویق تحریم نشست ها، ارگان ها و فعالیت های روتین و رسمی و مصوب حزب از جانب هر فرد یا جمعی مذموم، یک اقدام ضد حزبی است.

عضویت در هر نهاد، کمیته و ارگان حزبی یک امتیاز برای هر عضو حزب است. شرط سلامت رابطه سیاسی در حزب به رسمیت شناسی ارگان ها و نهاد های حزبی است. از اعضای کمیته ها و نهاد های حزبی انتظار می رود که در صورت رسیدن به هر اختلاف نظری، این اختلاف را قبل از هر جا در کمیته و نهادی که در آن عضو هستند مطرح کنند و به بحث بگذارند، تلاش کنند دیگران را به اتخاذ سیاست و روش پیشنهادی خود قانع کنند. طرح ابتدا به ساکن اختلاف نظر در بیرون حزب زیر پا گذاشتن ابتدائی ترین احترام به نهادی است که فرد عضو آن است.

شماره ۸ - قرار در مورد مباحثات در جلسات کمیته ها و نهاد های حزب

حفظ محرّمیت کمیته ها و نهاد های حزبی و تضمین امنیت لازم سیاسی برای طرح هر نظر و پیشنهادی در این ارگان ها و اطمینان مطرح کننده از عدم استفاده از این بحث ها به عنوان ابزار افشاگری سیاسی در آینده مقررات زیر را ایجاد میکند:

- ۱ - شفافیت و علنیّت در مبارزه سیاسی به معنی طرح شفاف و علنی نظرات است نه علنی کردن اسناد حزبی. نوار و اسناد مباحثات داخلی (مکاتبات درونی و نوار

جلسات غیر علنی) یک کمیته یا نهاد حزبی تماماً داخلی است. انتشار آنها به عنوان بخشی از پیشبرد مبارزه سیاسی تحت هر شرایطی ممنوع است. دسترسی به این اسناد تنها توسط خود آن کمیته و نهاد و یا ارگان های مافوق مجاز است

۲ - اسناد و نوار مباحثات ارگان ها و کمیته ها برای اعضای این نهاد ها تنها در مراکز این کمیته ها و نهاد ها قابل دسترس خواهند بود.

شماره ۹ - قرار در مورد انتشار اسناد حزب

انتشار منظم اسناد و مباحثات درونی حزب شرط لازم برای دادن امکان یک ارزیابی تاریخی از حزب است. به این منظور پلنوم ششم مقرر میکند که:

کلیه اسناد شفاهی و کتبی کمیته های حزبی میتوانند بعد از ده سال از تاریخ انجام آنها منتشر گردند مشروط به اینکه:

این کار توسط خود کمیته و یا مسئولین تعیین شده از جانب آن انجام گیرد

این اسناد از نظر اطلاعات امنیتی توسط کمیته و یا مسئولین تعیین شده آن تماماً تصفیه شوند.

انتشار این اسناد با توافق کمیته مافوق انجام شود.

پلنوم از دفتر سیاسی میخواهد که برای انتشار منظم اسناد کمیته مرکزی، دفتر سیاسی و کمیته رهبری کمیسیون ویژه ای را تشکیل دهد و هر سال اسناد تاریخی ۵ سال قبل را منتشر نماید.

شماره ۱۱ - کنگره حزب

با توجه به تحولات اوضاع در ایران و منطقه و ضرورت آمادگی حزب برای پاسخگویی به این اوضاع، پلنوم هفتم تصویب می کند که کنگره های حزب سالیانه برگزار گردد.

تماس با حزب

کوروش مدرسی لیدر حزب

koorosh.modarresi@gmail.com

تلفن: ۰۰۴۷۷۴۸۶۳۰۸۲۳

خالد حاج محمدی معاون لیدر

khaledhaji@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۷۴۸۵۷۵۴

رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان

husienzade_r@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷

فاتح شیخ رئیس دفتر سیاسی

fateh_sh@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۷۱۷۵۱۲

عبدالله دارابی فرمانده گارد آزادی

darabiabe@gmail.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۷۵۲۱۶۳

مهرنوش موسوی دبیر کمیته خارج کشور

mehrnousch@aol.com

بهرام مدرسی دبیر کمیته کل کشور

bahrammodarresi@gamil.com

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱

جمال کمانگر دبیر سازمان جوانان حکمتیست

jamalkamangar@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۱۹

به حزب حکمتیست کمک مالی کنید!

کمکهای خود را میتوانید به شماره حساب زیر واریز کنید:

Name: A.J

Bank: NatWest

Account No: 65041283

Sort code: 601520

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب

www.hekmatist.com

www.jawanx.com

www.marxhekmatistsociety.com

www.iran-telegraf.com

www.oktoberr.org

www.hekmat.public-archive.net

دبیر خانه حزب

mail@hekmat.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۸۳۰۳۷۹۵۲۶

رضا کمانگر

مسئول روابط عمومی حزب

r_hekmatist@yahoo.com

تلفن: ۰۰۲۵۸۴۰۵۶۲۹۵۴۸